

چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

و تحول اقتصادی - اجتماعی

دکتر محسن رضایی^۱

(تاریخ دریافت ۸۷/۳/۱۵ - تاریخ تصویب ۸۷/۵/۱۲)

چکیده

چشم‌انداز، مهمترین زیرساخت تحول اقتصادی و اجتماعی است. یک تصویر آرمانی قابل تحقق از ایران آینده است که به یک خواسته ملی و عزم ملی تبدیل می‌شود و موجب هدایت تمامی تحولات و تغییرات بسوی یک آینده مشخص و معین می‌گردد، لذا توانایی مدیران و رهبران را در جهت مدیریت هدفمند بر چالش‌ها و فرصت‌ها را افزایش می‌دهد. سیاست‌گذاری و هدایت یک جنبش اجتماعی و مبارزه سیاسی اقتصادی از الزامات تحقق چشم‌انداز محسوب می‌شود. این اقدامات بستر یک انقلاب اقتصادی - اجتماعی را در کشور بوجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: سند چشم‌انداز، تحول اقتصادی، تحول اجتماعی، اصلاحات اقتصادی.

مقدمه

با وجود آنکه در طول قرن اخیر تلاش‌های فراوانی در جهت اصلاحات اقتصادی شروع شده و یک دوران رونق اقتصادی مستمر و پیشگامانه در ایران آغاز گردیده است ولی هنوز یک مسیر مطمئن در رسیدن به ایرانی پیشرفته و شکوفایی اقتصادی حاصل نشده و به همین دلیل دستاورد دوره‌های اصلاحات اقتصادی تاکنون در حد فراهم ساختن یک رضایتمندی ملی نبوده است. دوره اصلاحات اقتصادی شاهنشاهی رضا شاه از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ و دوره اصلاحات اقتصادی

محمدرضا شاه طی دهه چهل با وجود گسترش زیر بناها، اقتصاد ملی ایران را از مسیر طبیعی و علمی آن خارج کرد. ضمن آنکه به قیمت یک استبداد خونین که سالها ایران را عقب برد منجر شد.

اگرچه تلاش‌های بعد از انقلاب اسلامی افتخارآفرین بوده است ولی هنوز فاصله طولانی با یک جامعه شکوفا و اقتصادی مطلوب وجود دارد. دوره اصلاحات ساختاری طی دهه اول انقلاب به ملی شدن اقتصاد، و طی سالهای ۷۶ تا ۸۴ به آزادسازی اقتصاد منجر شد و دوره اصلاحات در کالبد فیزیکی اقتصاد با شعار سازندگی ملی سالهای ۶۸ تا ۷۶ صورت گرفت. این تلاش‌ها که قابل توجه و گسترده بوده و قابل تقدیر می‌باشد ولی به سرانجام مطلوبی نرسیدند.

البته اصلاحات اقتصادی بدون یک تحول سیاسی به سرانجامی نمی‌رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی که تحول سیاسی در جامعه ایران صورت گرفت و پس از آنکه نهادهای سیاسی آن از قبیل آزادی و مردم‌سالاری و استقلال و نظام جمهوری اسلامی ایران در طی یک دهه مبارزه تثبیت شد، زمینه‌های سیاسی لازم برای اصلاحات اقتصادی فراهم شد. اقتصاد ایران دو دوره اصلاحات اقتصادی را پس از آن پشت سر گذاشت ولی در هر دو دوره با وجود بسترهای سیاسی مناسب با چند مشکل مواجه بوده است:

۱- نداشتن یک نظریه و برنامه جامع برای تحول اقتصادی که متناسب با شرایط سیاسی -

اجتماعی و منابع و فرصت‌های ایران باشد.

۲- همراه نبودن تغییرات اجتماعی و فرهنگی با اصلاحات اقتصادی.

از مهمترین مشکلات برنامه تحول اقتصادی در ایران، روشن نبودن چشم‌انداز آینده ایران و سیاست‌های اقتصادی تحول‌آمیز بوده است تا با کمک آن یک خواست و عزم ملی برای تجمیع انرژی‌ها و هم‌جهتی فعالیت‌ها و یک برنامه فراگیر و همه‌جانبه در راستای آینده مطلوب و مشخص برای جامعه ایران بوجود آید. سند چشم‌انداز ملی ایران در سال ۱۳۸۲ پس از پنج سال مطالعه و مباحثات لازم در کمیسیون‌ها و شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و سیاست‌های اصل ۴۴ در سال‌های ۸۳ و ۸۴ به رهبر انقلاب اسلامی ارائه و پس از اصلاح و تصویب ایشان، به قوای سه‌گانه برای هدایت فعالیت‌ها و برنامه‌های میان مدت کشور ابلاغ شد. در این مقاله درصدد توضیح نظریه تحول اقتصادی - اجتماعی و ارتباط آن با چشم‌انداز و همچنین توضیح سناریو مطلوب رشد اقتصادی می‌باشیم.

۱- اصلاحات اقتصادی در ایران

اصلاحات اقتصادی که تاکنون در ایران صورت گرفته است را می‌توان به دو نوع کلی تقسیم کرد. اصلاحات مذکور با بر محور تغییر در کالبد فیزیکی اقتصاد از قبیل زیربنایها بوده است و با بر محور تغییر در ساختار فعالیت اقتصادی بوده است. تجربه نشان داده است که اصلاحات فوق در جوامعی که زیرساخت‌های مناسبی وجود داشته باشد، به نتیجه می‌رسد در غیر اینصورت پیشرفت‌های حاصله از این نوع تغییرات چندان قابل توجه نخواهد بود و منجر به شکوفایی اقتصادی نخواهد گردید.

اصلاحات در کالبد فیزیکی اقتصاد

اصلاحات در زیربنایی از قبیل راه و انرژی و آب و ارتباطات و دانشگاه که طی یک قرن اخیر یکبار در دهه ۲۰ و بار دیگر در دهه ۷۰ میلادی صورت گرفت، با وجود حجم عظیم آن و تشکیل سرمایه بزرگی که در کالبد فیزیکی اقتصاد بوجود آمد ولی فعالیت اقتصادی را چندان متحول نکرد و اقتصاد ملی توسعه نیافت.

اصلاحات در ساختار فعالیت اقتصادی

اصلاحاتی که در اواخر دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد صورت گرفت عمدتاً ناظر بر اصلاحات ساختاری در بازارهای سرمایه، مالیات و سرمایه‌گذاری خارجی بود و اگر چه این اصلاحات با وجود زیربنای مناسبی که نتیجه اصلاحات قبلی بود توانست یک رشد آرام و مستمری را در اقتصاد فراهم کند و شاخص‌های اقتصادی یک بهبود نسبی را شاهد باشند، با این حال شکوفایی اقتصادی در کشور مشاهده نشد و امر توسعه در ایران شتاب لازم را به خود ندید.

آسیب‌شناسی اقتصاد ایران

اقتصاد ایران، یک اقتصاد دولتی و سیاسی است و این امر باعث شده که به انحراف از مسیر طبیعی و عقب‌ماندگی دچار شود. ویژگی‌های این اقتصاد و پیامدهای آن به شرح زیر بوده است:

۱- اقتصاد دولتی

۲- اقتصاد نفتی

۳- اقتصاد سیاسی

اقتصاد ایران با شرائط فوق با چند پدیده مزمن مواجه شده است :

- ۱- رشد اقتصادی پایین و ناپایدار
- ۲- عقب ماندگی از پیشرفت های اقتصادی و صنعتی و تجاری جهان
- ۳- توسعه نیافتگی و پایین بودن استانداردهای زندگی و رفاه نسبت به کشورهای توسعه یافته
- ۴- رکود و تورم مزمن سی ساله در اقتصاد ایران
- ۵- ضعیف شدن ساختار قیمت گذاری آزاد و رقابت نهاد های بازار
- ۶- فراگیر نبودن فرهنگ کار و تلاش و رفتارهای اقتصادی در جامعه ایران
- ۷- دولت از نقش خود منحرف شده و خود را بر اقتصاد تحمیل و مردم را از اقتصاد خارج کرده است .

تورم و رکود

آشکارترین پدیده نامطلوب اقتصاد ایران که مزمن شده و حل نشده باقی مانده، رکود و تورم سی ساله ای است که وارد اقتصاد ایران گردیده و ناشی از چند عامل اساسی است:

- ۱- حضور گسترده دولت در اقتصاد، فضای کسب و کار را برای بخش خصوصی محدود کرده است.
 - ۲- بی اعتمادی و ناامنی و فساد و انتظارات بدبینانه، محیط کسب و کار را برای مردم نامناسب ساخته است.
 - ۳- شکاف صادرات و واردات، موجب جایگزینی منفی در اقتصاد ایران و تضعیف تولید محصولات و کالاها و خدمات ایرانی شده است.
- شرایط بی اعتمادی در اقتصاد، موجب خروج نقدینگی از فعالیت اقتصادی و کنز شدن آن می شود. یعنی نقدینگی هم از بازار کالاها و هم از بازارهای مالی خارج می شود، چنانکه در ایران این پدیده به صورت فرار سرمایه و انحراف سرمایه به سرمایه گذاری های غیرمولد دیده می شود. لذا در بازار کالاها موجب کاهش تقاضا و در دومی موجب کاهش سرمایه گذاری مولد می شود که هر دو به نوبه خود موجب کاهش فروش و درآمد و کاهش منابع مالی سرمایه گذاری می شود. کاهش سود و کاهش منابع سرمایه گذاری موجب کاهش تقاضای نیروی کار و کاهش تولید خواهد شد و بیکاری و بحران، اقتصاد را فرا خواهد گرفت. دو راه حل وجود دارد که

اقتصاد از بحران بیرون بیاید.

۱- **راه حل کلاسیکی:** مکانیسم قیمت‌ها و دستمزدها به صورت خودکار کاهش می‌یابد، چون تقاضا در هر دو بازار کاهش یافته است و لذا قدرت خرید خانوارها و بنگاه‌ها، افزایش و با نقدینگی موجود مجدداً تقاضاها و تولید و عرضه فعال می‌شود. با پیدایش شرایط خوشبینانه در اقتصاد تقاضای پول کنزشدنی کاهش و تقاضاهای کالاها و نیروی کار افزایش می‌یابد. تولید، افزایش و بیکاری کاهش و افق رونق اقتصادی در اقتصاد ظاهر می‌شود.

۲- **راه حل کینزی:** قیمت‌ها و دستمزدها ثابت، و به سوی پایین غیر منعطف هستند. باید نقدینگی جدیدی به اقتصاد تزریق شود. این کار باید از بیرون اقتصاد صورت گیرد. دولت و بخش خارجی با افزایش تقاضای خود از بازارهای محصول و مالی، موجب رونق اقتصادی می‌شوند. چون هم منابع سرمایه‌گذاری جبران شده و هم تقاضای نیروی کار بالا رفته است و لذا تولید افزایش می‌یابد.

۳- **راه حل پولی:** بانک مرکزی با افزایش حجم پول و تزریق به فعالیت اقتصادی، خروج نقدینگی از اقتصاد را جبران می‌کند و یا با کاهش نرخ سود بانکی هزینه‌های تولید را کاهش و تقاضای برای نیروی کار را افزایش می‌دهد.

رکود- بیکاری

شکاف صادرات و واردات موجب چند پدیده در اقتصاد می‌شود:

- ۱- روی اشتغال تأثیر می‌گذارد.
 - ۲- روی تورم تأثیر می‌گذارد.
- اشتغال از مازاد صادرات تأثیر مثبت می‌پذیرد. هرچه صادرات بیشتر شود اشتغال هم افزایش می‌یابد. بالعکس هرچه واردات افزایش یابد بیکاری افزایش می‌یابد چون جایگزینی منفی صورت می‌گیرد. هرچه مازاد صادرات بیشتر شود نرخ ارز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بهمان صورت ارزش پول ملی تغییر می‌یابد و قیمت کالا و خدمات تغییر می‌یابد. درحقیقت شکاف صادرات موجب شکاف تولید و مخارج خواهد شد و آن هم به نوبه خود روی بیکاری تأثیر می‌گذارد. دلیل این امر این است که اگر مخارج از ناحیه مصرف و ناشی از واردات افزایش یابد، بخش تولید نمی‌تواند با کالاها و خدمات وارداتی مربوط به ارزشهای ناشی از قرض خارجی و یا ناشی از فروش ثروت ملی که یا ما به ازایی از اشتغال ندارد و یا با اشتغال کم حاصل شده

است، مواجهه شده و رقابت کند. لذا عامل تقاضای نیروی کار برای تولید داخلی کاهش پیدا می‌کند و بیکاری افزایش می‌یابد.

تفاوت بی‌اعتمادی و شکاف صادرات در بیکاری و تورم یکسان نیست زیرا که در اولی هر دو پدیده در دو جهت مخالف تغییر می‌کنند ولی در دومی در یک جهت عمل می‌کنند؛ مثلاً بیکاری و تورم هر دو افزایش می‌یابند زیرا که تولید داخلی کاهش و تقاضای نیروی کار در تولید محصولات داخلی کاهش می‌یابد. ولی به دلیل افزایش واردات و افزایش مصرف و مخارج دولت نوعی جایگزینی منفی و یا جایگزینی تولید محصولات داخلی صورت می‌گیرد. در حالی که تقاضای کل کاهش نیافته ولی عرضه کل محصولات داخلی کاهش یافته و اشتغال مولد کاهش یافته است. در اینجا مازاد درآمد از مخارج که منفی است، توسط مازاد واردات جبران می‌شود.

در پدیده بی‌اعتمادی که رجحان نقدینگی افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاری، مصرف، تولید و تقاضا کاهش می‌یابد. تورم و رکود در دو جهت مخالف و هم‌افزاینده تغییر می‌یابد یعنی تورم کاهش ولی بیکاری افزایش می‌یابد. بنابراین:

بی‌اعتمادی و انتظارات بدبینانه و ناامنی در اقتصاد ایران و مازاد واردات از صادرات که ناشی از فروش ثروت ملی است در اقتصاد ایران موجب شده است که آثار زیر بوجود بیاید:

- ۱- بیکاری ناشی از کاهش تولید محصولات ملی افزایش پیدا کند.
- ۲- اشتغال خدمات ناشی از مشاغل حاشیه‌ای وارداتی جایگزین مشاغل مولد گردد.
- ۳- ساعت کار مفید به دلیل ضعف اشتغال رقابتی در سطح پایینی باشد.

ب - تورم:

بالا بودن تقاضای کل در اثر بالا بودن مخارج دولت و همچنین درآمدهای ناشی از خدمات حاشیه‌ای که تقاضای قشر متوسط جامعه و مصرف کل را بالا برده است، موجب افزایش قیمت‌ها شده است. لذا بی‌اعتمادی و شکاف صادراتی و اقتصادی دولتی موجب نتایج زیر شده است:

- ۱- فرار سرمایه به خارج
- ۲- انحراف سرمایه به زمین و مسکن
- ۳- جایگزینی تولید ملی
- ۴- جایگزینی اشتغال مولد
- ۵- تقاضای بالا

۶- بالا نگهداشتن ارزش پول ملی بصورت مصنوعی.

توصیه‌هایی برای یک تحول اقتصادی- اجتماعی

برای عبور از آسیب‌های مذکور در اقتصاد ایران باید شرایط اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی جدیدی در کشور حاصل شود.

۱- فراهم‌سازی شرایط خوشبینانه در اقتصاد ایران (راه حل کلاسیکی).

۲- هدفمندسازی مخارج دولت و دخالت آن در اقتصاد ملی، موجب رونق اقتصادی می‌شود.

۳- آزادسازی و خصوصی‌سازی موجب اصلاح بازارهای ایران خواهد شد.

۴- کاهش هزینه‌های تولید و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از طریق بهبود نظام مالیاتی و اصلاح نظام اداری و در دسترس بودن اعتبارات داخلی و خارجی و همچنین زیر ساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دسترس و ... موجب جذب سرمایه‌گذاری خواهد شد.

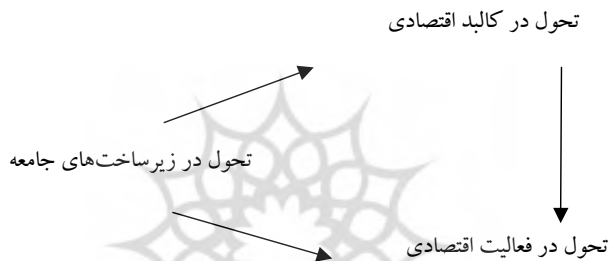
۵- تبدیل شدن فضای سیاسی امنیتی به فضای اقتصادی اجتماعی نیاز به بازسازی ارزش‌ها دارد. با ارزش‌های گذشته نمی‌توان آینده را ساخت. شاید بتوان با هزینه‌های بالا وضعیت فعلی را حفظ کرد. بازتفسیر از ثروت و عدالت و زهد و همچنین کار و تلاش و نهایتاً دنیا و آخرت بدون اینکه ایدئولوژی تغییر یابد و یا به ارزش‌های گذشته تعارضی صورت گیرد، هم امکان پذیر است و هم یک امر ضروری و حیاتی است. آیا این اتفاق در اثر یک انقلاب باید صورت گیرد و یا یک جنبش اجتماعی؟ آیا این تحول سیاسی خواهد شد و یا بصورت مسالمت‌آمیز اتفاق خواهد افتاد؟

تحول اقتصادی اجتماعی

به نظر می‌رسد جامعه ایران پس از فراهم شدن بسترهای سیاسی آن از قبیل آزادی، مردم سالاری و نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و شکست انواع طرح‌های اصلاحات اقتصادی، آمادگی یک تحول اقتصادی و اجتماعی را پیدا کرده است. پیشرفت سریع کشورهای دنیا و همسایگان ایران در ابعاد اقتصادی، انگیزه مناسبی را برای تسریع در امر توسعه ملی به بار آورده است. اما تحول اقتصادی در ایران چگونه امکان پذیر است؟ و از اصلاحات گذشته چه درس‌هایی آموخته‌ایم؟

به نظر می‌رسد که تحول اقتصادی در ایران بدون همراهی با یک تحول اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نیست و شاید این یک قاعده جامعه ایران هم باشد که تحول از هر نوع آن باید به

همراه یک تحول اجتماعی صورت بگیرد. بالخصوص در اقتصاد ایران، این همبستگی فوق‌العاده شدید است. یعنی جامعه ایران اگر باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های خود را نسبت به زندگی و اقتصاد و عدالت و ثروت تغییر ندهد، تحول اقتصادی هم در ایران بوجود نخواهد آمد. بنابراین شرط لازم تحقق یک تحول اقتصادی همراهی آن با یک تحول اجتماعی متناسب با آن می‌باشد و لذا ما به یک تحول اقتصادی و اجتماعی نیازمند هستیم. از طرف دیگر این تحول به جای آن که از تحول در کالبد و فیزیک اقتصادی و یا حتی ساختار فعالیت اقتصادی شروع شود، باید از تحول در زیر ساخت‌های جامعه آغاز گردد و به تحول در کالبد فیزیکی اقتصادی و فعالیت اقتصادی گسترش یابد لذا:



۲- تحول اقتصادی - اجتماعی

تجربه دوران اصلاحات اقتصادی از طریق ایجاد تغییرات در زیربناها و یا فعالیت اقتصادی به نتیجه نرسیده است. اقتصاد ایران بدون یک انقلاب و تحول اقتصادی به جایی نمی‌رسد. این تحول از چند سال پیش با ابلاغ چشم‌انداز و پس از آن با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شروع شده است. این سیاست‌ها، تحول در زیرساخت‌های جامعه را هدف گرفته است. توضیح ابعاد این تحول در برنامه‌ریزی و هدایت آن مؤثر می‌باشد. در زیر تلاش می‌کنیم که مفهوم آن را توضیح و تفاوت آن را با اصلاحات اقتصادی که تا کنون صورت گرفته است، بیان کنیم.

تحول در ساختار و لایه‌های توسعه

برای توسعه دو نوع ساختار می‌توان در نظر گرفت. یکی ساختار لایه‌های اقتصادی است که توسعه را شامل لایه‌هایی می‌دانیم که تحول باید در تمامی آنها صورت بگیرد و از پائین‌ترین

لایه‌ها باید تحول و تغییر شروع شده و ساختار نوع دوم عبارت است از توسعه سطوح اقتصادی که توسعه را شامل سطوحی می‌دانیم که مازاد ملی و رشد اقتصادی را تضمین می‌نمایند. برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی باید تمامی سطوح تحت تأثیر یک تحول اقتصادی و اجتماعی قرار گیرند.

۲-۱- مفهوم و ساختار توسعه لایه‌ای

توسعه در این چارچوب عبارت از یک تحول کارکردی فردی و اجتماعی از یک طرف و تحول کارکردی دولت از طرف دیگر می‌باشد. در اینجا توسعه‌آفرینی و ظرفیت‌سازی مهمترین کارکرد دولت‌ها و صاحبان قدرت و پیشگامان و نخبگان یک کشور می‌باشد. توسعه‌آفرینی و ظرفیت‌سازی، نیازمند اقدامات استراتژیک دولت‌ها و کشورهاست که بصورت دائم منحنی امکانات تولید را به سوی مراحل بالاتر انتقال دهد، ضمن آنکه مقیاس تولید ملی را نیز افزایش می‌دهد.

آنچه که باعث انتقال منحنی امکانات تولید شده، یک اقدام توسعه‌آفرین و یا افزایش ظرفیت‌های اقتصادی توسط دولت بوده است. فراهم‌سازی محیط کسب و کار لایه سوم توسعه می‌باشد که آزادسازی اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری و میزان دخالت دولت در امر اقتصاد را شامل می‌شود. کارآفرینی و مهارت‌افزایی لایه‌های چهارم و پنجم توسعه را شامل می‌شوند که عمدتاً به عوامل درونی بنگاه‌ها و شرایط لازم برای فعالان اقتصادی برمی‌گردد و ششمین لایه مسأله نوآوری است که منجر به تولید دانایی و فناوری می‌شود و عبارت از نظامی ذهنی و خلاق است که تمامی مراحل تولید را در برمی‌گیرد. هفتمین لایه نیز عبارت از رفتارسازی است که یک مسأله اجتماعی بوده و نظام تصمیم‌گیری و انتخاب و یا رفتار عقلایی واحدهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۲- مفهوم و ساختار سطوح توسعه

توسعه در هر جامعه‌ای از سطوحی بهم پیوسته تشکیل می‌شود. زیرساخت‌ها که سطح زیرین توسعه هستند شامل ارزش‌ها و باورها می‌باشند که به موجب آن چشم‌انداز شکل می‌گیرد و بعد از آن نظامات حقوقی، سیاسی و اقتصادی است و قوانین و مقررات یک مجموعه عوامل زیرساختی اقتصادی را شکل می‌دهد. پس از زیرساخت‌ها، شهرهای اقتصادی و بنگاه‌های

اقتصادی است که محیط‌های اقتصادی را بوجود می‌آورد. هم محیط تولید و هم محیط بازار و مبادله در چنین سطحی از اقتصاد جای گرفته است. پس از شهرها و نگاه‌های اقتصادی، فعالیت اقتصادی شامل تولید و مبادله و یا تولید و بازرگانی در داخل و تولید و تجارت در خارج از محیط اقتصادی مطرح می‌شود. تحول در سطوح توسعه باید از پایین‌ترین سطح شروع شود و به سطوح دیگر توسعه گسترش یابد.

۳- تحول اقتصادی و چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

چشم‌انداز یکی از اساسی‌ترین عوامل زیرساختی اقتصاد ملی است که تبیین درست و صحیح آن موجب شکوفایی اقتصادی و اجتماعی می‌شود. چارچوبی برای یک مبارزه سیاسی - اجتماعی است که با کمک آن مدیران و رهبران چالش‌ها و فرصت‌ها را مدیریت می‌کنند و از یک طرح جامع برای توسعه اقتصادی می‌توانند برخوردار شوند که به تمامی لایه‌ها و سطوح اقتصادی ارتباط پیدا کردند.

ایران ۱۴۰۴ یک ایران منطقه‌ای است که بازیگر اصلی منطقه آسیای جنوب غربی است و محور و کانون تشکیل یک منطقه واحد سیاسی - اقتصادی واحد در جنوب غربی آسیاست. برای رسیدن به چنین موقعیتی ایران باید توسعه‌یافتگی را پشت سر بگذارد تا بتواند یک نفوذ اقتصادی و فرهنگی در منطقه بعنوان بستر اصلی نفوذ سیاسی خود پیدا کند. و البته سیاست خارجی الهام‌بخش در جهان اسلام و تعامل مؤثر و سازنده با جهان و همچنین برخورداری از هویت ملی و اسلامی و انقلابی از مقوم‌های نفوذ سیاسی در منطقه می‌باشد.

بنابراین راه رسیدن به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ یک انقلاب اقتصادی اجتماعی است که تمامی لایه‌ها و سطوح توسعه را بتواند تحت تأثیر خود قرار داد. لذا می‌توان گفت چشم‌انداز، برنامه‌ای برای انقلاب دوم و یا چارچوب و پارادایمی برای آن می‌باشد. برای رسیدن به چنین موقعیت مهمی باید اقدامات زیر صورت بگیرد:

۱- سیاست‌گذاری مناسب از قبیل سیاست‌های اصل ۴۴

۲- ایجاد و هدایت یک مبارزه سیاسی - اجتماعی و یک جنبش اجتماعی و فرهنگی با

اهداف اقتصادی

اگر مجموعه فعالیت‌های اجتماعی و انگیزشی را یک جهاد اقتصادی بدانیم آنگاه هر دو بُعد آن را می‌توانیم روشن‌تر توضیح دهیم.

الف - مبارزه سیاسی - اجتماعی

ایران ۱۴۰۴ هم در داخل و هم در خارج از ایران چه در منطقه و چه در جهان دشمنانی دارد که در مقابل این تحول از خود مقاومت نشان خواهند داد و تلاش خواهند کرد که از تغییرات آن جلوگیری کنند. صاحبان اندیشه‌های سنتی و انحرافی و معتقدین به ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته از زندگی قدیمی که مخالف توسعه و تحول در ساختارهای توسعه‌ای حاکم هستند و همچنین رقبای منطقه‌ای ایران و دشمنان بین‌المللی ایران در مقابل تحولات و تغییرات مطلوب مقاومت و مخالفت خواهند کرد.

در داخل جامعه ایران، انواع گرایش‌ها و بینش‌ها و هنجارهای ضد توسعه‌ای در مقابل هر نوع شکوفایی فرهنگی و اقتصادی مقاومت می‌کنند و با توجه به توانایی‌های سیاسی و اجتماعی اقتصادی که صاحبان آن در اختیار دارند، در مقابل یک تحول اقتصادی - اجتماعی مقاومت می‌ورزند و راه آن را سد می‌کنند.

در منطقه رقبای اقتصادی ایران در بی‌نتیجه کردن تحولات اقتصادی ایران از طریق همراهی با قدرت‌های بین‌المللی در حادثه آفرینی علیه جمهوری اسلامی ایران و یا از طریق همراهی در تحریم‌ها و اعمال محدودیت‌های تجاری، نقش داشته‌اند. دلیل اصلی این امر را باید نگرانی قدرت‌های بین‌المللی از اوج‌گیری قدرت ایران در منطقه دانست که از پیشرفت و توسعه ایران نگران بوده و جلوی آن را گرفته‌اند.

بنابراین تحقق چشم‌انداز نیاز به هدایت یک مبارزه سیاسی اجتماعی با اهداف زیر دارد:

- ۱- مبارزه با محدودیت‌ها و تحریم‌های اقتصادی غرب.
- ۲- کاهش مصرف و افزایش صرفه‌جویی و تقویت پس‌اندازهای فردی و خانوارها و تشویق آنها به تشکیل سرمایه‌های مولد.
- ۳- تقویت روحیه رقابت با رقبای منطقه‌ای ایران و دشمنان اسلام و ایران در سطح جهان.

ب - جنبش اجتماعی

نه تنها رفع موانع توسعه نیاز به مبارزه دارد بلکه برای تحقق اهداف و آرمان‌های چشم‌انداز و تضمین تحولات مورد نیاز آن و رسیدن به یک ایران آرمانی، جامعه و دولت مطلوب نیازمند یک جنبش اجتماعی با اهداف اقتصادی و سیاسی هستیم، این اهداف عبارتند از:

الف - تقویت غرور و افتخار ملی به

- ۱- یک ایران منطقه‌ای که قدرت نفوذ قابل ملاحظه‌ای در منطقه داشته باشد و مرکز و کانون واحد سیاسی - اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی باشد.
- ۲- اول شدن در علم و فن آوری و اقتصاد در منطقه.
- ۳- تبدیل کردن ایران به یک الگوی اقتصادی - اجتماعی در منطقه و جهان اسلام.

ب- ارزش‌گذاری به تلاش و کار و تولید و تشکیل سرمایه مولد

- ۱- تجارت و اشتغال و سرمایه‌گذاری از عبادات بزرگ تلقی شود و در شرائط فعلی جهاد فی سبیل الله در مقابل جنگ اقتصادی دشمن تلقی شود.
 - ۲- رشد اقتصادی به نحوی هدف‌گذاری شود که هم ضامن عدالت اقتصادی باشد و هم موجب توسعه و ارتقا اقتدار ملی گردد.
 - ۳- ارزش‌ها و هنجارهای مقوم تولید و سرمایه‌گذاری تقویت و با عادات و رسوم و اعتقادات گدای‌پروری و سربار دیگران بودن و زندگی غیر مسئولانه، مبارزه شود.
- اهداف و انگیزه‌های فوق می‌تواند یک جنبش اجتماعی فراگیر را در کشور رقم زند. همانطور که ملاحظه می‌شود سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ هم اهداف ایران آینده را در بردارد و هم یک چارچوب برای یک تحول اقتصادی - اجتماعی است که مکمل تحول سیاسی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز می‌باشد. لذا این سند هم جهت دهنده فعالیت‌ها و تحولات اقتصادی - اجتماعی است و هم انگیزه‌دهنده و مشوق و چارچوبی برای سنجش و ارزیابی فعالیت ملی می‌باشد.